

دکتر چاوشی در گفتگو با گوچه از جدیدترین اثرش می گوید

پژوهش‌هایی در آثار علمی و فلسفی ابن سینا

آسایش را برای تدوین کتابی بر خود صرف کند و پس از آماده سازی کتاب هم دوازده سال آراگار ، خود را برای چاپ و انتشارش به آب و آتش بزند، بدون این که هیچ گونه چشم داشت مالی داشته باشد! درحالی که امروزه کسانی هستند که در پوشش استاد و پژوهشگر و با ترفندهای مختلف پول‌های هنگفتی به جیب می زنند که عقل شیطان هم از کار آن‌ها در می ماند!

گذشت آن زمانی که دانشمندان به نان شب خود هم محتاج بودند و از این رو عبید زاکانی به طنز به آن‌ها گفته بود: « رو مسخرگی پیشه کن و مطربی آموز ».

اکنون گذشته از مطرب‌ها و برخی از ورزشکاران ، استادانی را می شناسیم که مولتی میلیاردر هستند؛ و اگر از هنرپیشگان و ورزشکاران ثروتمندتر نباشند از آنان چیزی کم ندارند. اجازه دهید برای روشن شدن مطلب خاطره ای برایتان تعریف کنم. چند سال پیش در مرکز نجوم حضرت عبدالعظیم (سلام الله علیه) در شهر ری همایشی درباره محمد بن زکریای رازی برپا شد که من دبیر علمی آن بودم. رئیس همایش اصرار داشت که از رازی سخن معروفی که در نظر گرفته بود برای سخنرانی در این همایش دعوت شود. من هم به ناچار با این استاد تماس گرفتم و از او برای سخنرانی دعوت کردم، اما او به جای تشکر بلافاصله برای این سخنرانی نرخ تعیین کرد و مبلغ هنگفتی را پیشنهاد نمود. باچانه زنی بسیار به « یک تومان » به تعبیر خودش یعنی « یک میلیون تومان » رضایت داد، بعد هم در روز همایش برای ۲۰ دقیقه سخنرانی با بداهه و تکراری، این مبلغ را گرفت و رفت. در حالی که به علت کپولت شدید نای راه رفتن هم نداشت و یک کمک دو نفر و به زحمت خود را به تریبون رسانید. این یک نمونه از کاسی‌های استادان معاصر است و « تو خود حدیث مفضل بخوان ازین مچمل ».

در همین ماجرای کرونا، شما هم قطعاً مثل من از رسانه های رسمی کشور مطلع شدید که معاون وزیر بهداشت دولت دوازدهم به پنهان پژوهش درباره کرونا بین برخی استادان دانشگاهی پول های چند صد میلیونی پخش کرد، بدون این که

اکنون هم در آزمایشگاه های علمی برخی از ابرقدرت‌ها همانند آمریکا، پزشکان ، شیمیادانان و فیزیکدانانی هستند که شب و روز خود را به ساختن سلاح‌های مخرب و بسیار پیشرفته از قبیل سلاح های میکروبی صرف می کنند تا ب آن‌ها دشمنانشان را در اندک مدتی به زانو درآورند. اگر روزی ثابت شود که همین ویروس مرگبار کرونا از یک آزمایشگاه نظامی آمریکا به بیرون درز کرده است، آن وقت به عمق فاجعه یعنی به نقش مخرب دانشمندان دین بی و بی اخلاق در نسل کشی بی خواهیم برد.

علت این که اوپتهایم هر اندکی پس از فاجعه ناکارایی و هیروشیما کرد و مرد، آن بود که او یک یهودی معتقد بود و افزون بر دانش فیزیکی خود، در ادیان هندی و دگر ادیان به پژوهش مشغول بود تا نقش دین را در زندگی آدمی بررسی کند.

بنابر این همه شواهد حاکی از آن بود که او به هنگام سرپرستی برای ساختن بمب اتمی، چنین تصور غیر مسئولانه را از سوی ارتش آمریکا کسب کرد و به همین دلیل هم با دولت آمریکا در افتاد و این دولت هم برای مقابله با او، برچسب کمونیست بر او زد که کذب محض بود. آری از این اخلاق و دین داری او بود که او را با دیگر همکارانش در سازمان اتمی آمریکا ممتاز می کرد. این عده به علت بی بهره بودن از دین و اخلاق به ریات تبدیل شده بودند و کشتن انسانها برایشان در حکم کشتن مور و ملخ درآمده بود!

بنابراین اگر من باز هم این مجموعه دوم را به این سینا اختصاص داده ام بخاطر التزام اخلاقی و پاسداری از دین این دانشمند بوده است. او نمی خواست پزشک مخصوص و دانشمند دربار پادشاه دستگیری همچون سلطان محمود شود که شیعه کشی را راه انداخته بود؛ و به همین جهت که من دست او و عمالش شهر به شهر و کوی به کوی می گریخت. سرانجام هم قربانی این جنگ و گریز شد و در میان سالی و در حالی که فرصت ازدواج هم نیافت، بر اثر اضطراب و استرس ناشی از خانه به دوشی به قولنج مبتلا شد و جان او فرین تسلیم کرد. این سینا نسل آینده ما باید این گونه دانشمندانی را برای نسل آینده

اثر با کارهای گذشته در مورد ابن سینا بگویند. ج - البته باید از تلاش‌های بزرگانی که در این عرصه قلم زده‌اند، به ویژه شادروایان آیت الله شهید مطهری، استاد حسن ملک‌شاهی، آیت الله حسن‌زاده آملی و آیت الله مصباح یزدی (رضوان الله علیهم اجمعین) قدرنادی کرد، که پیشگوتان این سینا شناسی اند، با این حال این بزرگان توجه خود را بیش تر به مباحث ماتریزیک و عرفان ابن‌سینا معطوف کرده بودند؛ در صورتی که در غرب ابعاد دیگری از ابن‌سینا مورد مطالعه قرار می‌گرفت که عبارت بودند از ریاضیات، نجوم، گیاه‌شناسی، موسیقی و ... من هم مایل بودم که با ارائه ترجمه این گونه کارها، تلنگری به این سیناشناسی معاصر در کشور بزنم. البته نمی‌دانم تا چه حد توانسته ام به هدف خود نزدیک شوم.

س - اگر ممکن است اندکی در مورد نویسندگان مقالات نیز صحبت کنید؟ ج - من نویسنده‌ان و هم مترجمان کتاب از نویسندگان برجسته و متخصص در حوزه پژوهشی خود هستند. متأسفانه در طول مدتی که این کتاب دست به دست می‌چرخید، آقای دکتر سامان سینیا نویسنده ایرانی و آقای مورو زونتا (Mauro Zonta) نویسنده فرانسوی بدردم حیات گفتند و نتوانستند انتشار مقاله خود را شهادت بیاورند. آقای قسام غلیبی (قاسم Ghassab) نویسنده سوری‌ای یکی از مقالات هم ، هم بر اثر حمله داعش و گروه‌های تروریستی به سوریه محل قبلی خود را ترک کرده و من اکنون اثری از او ندارم. یکی از مقالات خوب این کتاب متعلق به آقای دکتر گلشنی و شاکرد ایشان آقای دکتر جمالی است که درباره آگاهی و رابطه ذهن و مغز از نگاه ابن‌سینا می‌باشد. خود من هم دو مقاله درباره کارهای نجومی ابن‌سینا یکی به فارسی و دیگری به فرانسه نوشتم که امیدوارم مورد توجه قرار گیرد. مقالاتی هم درباره منطق موجهات از نگاه ابن‌سینا توسط منطق‌دانان خارجی داریم که توسط استادان ایرانی به فارسی ترجمه شده‌اند و این مقالات نیز تگاهی تازه به مباحث منطقی ابن‌سینا دارند.

س - آقای دکتر آن طوری که در عنوان کتابتان پیداست این دومین مجموعه مقالات درباره ابن سیناست که شما تدوین کرده اید، لطفاً فرق آن را با مجموعه پیشین بیان کنید؟ ج - حق با شناسند نصف مقالات مجموعه ی پیشین ، متن سخنرانی های همایش ابن سینا در همدان بود که چند سال پیش برگزار شده بود و نصف دیگر هم مقالاتی بودند که خود من سفارش آن‌ها را به نویسندگانشان داده بودم . بنابراین مجموعه حاضر که مقالاتی همگی به سفارش خود من نوشته و یا ترجمه شده اند فرق بسیاری با مجموعه قبلی دارد که خوانندگان با مطالعه آن به خوبی آن را احساس خواهند کرد. من نباید چیزی درباره این تفاوت بگویم به قول شاعر:

خوش تر آن باشد که سز دلبران گفته آید در حدیث دیگران
س - چرا باز هم به ابن سینا پرداختید، نمی‌شد این مجموعه را به دانشمند دیگری اختصاص می دادید که کمتر به آن پرداخته شده است؟

ج - علت آن انتخاب تنها دانش ابن سینا نبود بلکه نقشی بود این نابغه بزرگ در تمدن اسلامی ایفا کرده بود. او به تنهایی الگوئی تمدن ساز است، از هر نظر که به مسئله نگاه کنید؛ مثلاً اگر شما شرح حال اکثر دانشمندان چه در شرق و چه در غرب را مطالعه کنید می بینید که آثار برای پیشبرد اهداف علمی خود در مواقعی ناچار بودند از بعضی خواست‌های قبلی خود چشم پوشند و از اوامر اسلامی که با حکم خود متابعت کنند و از تاریخ نمونه های زیادی داریم که من نیازی به ذکر نام آنان نمی بینم. بعضی هم که تنها علم دانشمند را از اخلاق و دین بی بهره بودند به خاطر دلبستگی به زندگی مادی و جاه و مال دنیوی، علم خود را در خدمت دشمنان بزرگتر به کار می بردند. نمونه بارز چنین دانشمندانی را ما در آمریکا و در خلال جنگ جهانی دوم مشاهده می کنیم. در این هنگام که پروژه ساخت بمب اتمی با گرفت و این بینک با همکاری فیزیکدانان و شیمیادان و با سرپرستی اوپتهایم ساخته شد و وقتی هم که نتایج کار این دانشمندان با صورت واقعی اهریمنی و بیرون هیچ دلیل موجهی بر سر صدها هزار زن و مرد و پیر و جوان بی گناه در هیروشیما و ناکاراکا فرود آمد و آن‌ها را نابود کرد و شهرهای آبادشان را به تلی از خاک بدل نمود ؛ از آن همه دانشمند سازنده این بمب با تنها اوپتهایم بود که از شدت ناراحتی و عذاب وجدان دچار استرس شدید شد و به مواد مخدر پناه آورد و آشکارا اعتراف کرد که دستپاشی به خون بی گناهان رنگین است؛ دانشمندان هسته ای دیگر سازنده این بمب ها کشتنشان هم نگرید!

که گفتم آن روزها مصادف با روزهای آغازین انقلاب و جنگ تحمیلی بود و رسانه‌های فرانسه نیز روز و شب اخبار جنگ و انقلاب ایران را با جزئیات پخش می‌کردند و به‌تفصیل درباره آن‌ها به مباحثه می‌نشیندند. استاد گفت: « اگر عوامل انقلاب ایران را ریشه‌یابی کنید به مذهب تشیع می‌رسید، که بر خلاف مذاهب دیگر اسلامی



انقلابی است و همواره با شاهان و حاکمان سر ستیز داشته است و آن‌ها را به رسمیت نشناخته است. ابن‌سینا فیلسوف بزرگ ایرانی که غرب قرن وسطایی، وادار دانش و فلسفه اوست متعلق به همین مذهب انقلابی شیعه است. او هم به دلیل وابستگی به همین مذهب انقلابی بود که در زمانش با حاکمان قدرت در افتاد و آواره شهر و دیار گردید « و بعد هم چنین ادامه داد: « به نظر من دکارت که یکی از خوانندگان آثار فلسفی ابن‌سینا به زبان لاتینی بوده ، نه تنها در علم و فلسفه بلکه در شیوه زندگی نیز از سلف ایرانی ابن‌سینا را ساخته است.» بعد هم گفت:

« بنیان فلسفی دکارت که در جمله « من می‌اندیشم، پس هستم (je pense, donc je suis) » خلاصه می‌شود، متأثر از یک اثر فلسفی ابن‌سینا درباره انسان معلق است. گذشته از این بهره‌گیری علمی و فلسفی، می‌بینیم که دکارت در طول زندگی‌اش آرام و قرار نداشت از ابن‌سینا به آن شهر و از این کشور به آن کشور می‌گریخت تا منزل امنی بیابد و در سایه آن به کار پژوهشی بپردازد و چنین نتیجه می‌رسد که در این رفتار هم خواهی نخواهی از ابن‌سینا الگو پذیرفته است. » من در کلاس درس بسیار خوشحال بودم که استاد این همه از ابن‌سینا تجلیل می‌کند، ولی متأسف بودم که ما ایرانیان نمی‌توانیم نمونه‌ای از کارهایی که فرانسویان در مورد دکارت کردند را درباره ابن‌سینا انجام دهیم. همین باعث شد که تألیف کتابی در مورد ابن‌سینا را با تگاهی نو در برنامه پژوهشی خود در آینده قرار دهم.

س - آیا همین درس استاد فرانسوی و نگاه انقلابی‌اش به ابن سینا شما را به پژوهش درباره کارهای اندیشمند بلند آوازه ایرانی واداشت؟

ج - بله، من بعد از پایان تحصیلاتم به ایران برگشتم، و همزمان با تدریس در دانشگاه صنعتی شریف، در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی هم کار تحقیق درباره دانشمندان اسلامی ایران را نیز دنبال می‌کردم. در همان زمان دکتر مهدی گلشنی ریاست پژوهشگاه را برعهده داشت و من هم چند ویژه‌نامه درباره خیم و خواجه نصیر را منتشر کردم. پس از این کار، پروژه ابن‌سینا را به دست گرفتم و از داخل و خارج ایران مقاله درخواست نمودم. متأسفانه اندکی پس از آغاز کار، دکتر گلشنی از ریاست پژوهشگاه برکنار شد. دوره رئیس جدید برابم بسیار دشوار و طاقت فرسا بود تا حدی که نمی‌توانستم با خیال راحت به پژوهش خود ادامه دهم و بدین سبب مجبور به استعفا شدم. بعد هم برای خود همین کتاب به سراغ مؤسسه حکمت و فلسفه رفتم که مسئول انتشارش به این دلیل که اغلب این مقالات ترجمه است از چاپ آن عذر خواست. با میناچیرگی دکتر گلشنی کتاب را به پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در قم سپردم. به امید آن که در آن جا به زیر چاپ آید، مدتی گذشت. مدیر انتشارات آن جا هم به یو یو یکسال که مرا با پنهان‌های واهی معطل کرد سرانجام من خواست که آن قسمت از مقدمه را که در نیم ریاض نامیده‌ام حذف کنم. من هم جواب رد دادم و کتاب را از آن‌ها پس گرفتم و با این اندیشه خود را تسلی می‌دادم که سرانجام ناشری که قدر این اثر را بداند پیدا خواهد شد و با خود می‌گفتم:

خود هر روز در سنگ بر ناقالی صبر کن پیدا شوهرشنان قابلی و این گوهرشنان را که جوانی بر شور، وطن‌دوست و دوست‌دار عظمت ایران اسلامی به نام کامبیز خالقی پور سر انجام پیدا کردم که با چند کتاب به طرز بسیار زیبایی، تمام خستگی چند ساله مرا از تن بیرون کرد. س - این کتاب مختصری درباره ری درباری تفاوت این

اشاره: به مناسبت انتشار کتاب پژوهش‌هایی درباره آثار علمی و فلسفی ابن‌سینا که اخیراً از نشر انتشارات رمز منتشر گردیده است، روزنامه گوچه با گردآورنده و ویراستار این اثر آقای دکتر چاوشی پژوهش‌های منحصربه‌فرد علمی دانشگاه صنعتی شریف مصاحبه‌ای ترتیب داده تا از زبان ایشان بیش تر با این اثر آشنا شویم. متن زیر حاصل این گفت‌وگو است: س - آقای دکتر لطفاً اندکی درباره این کتاب توضیح دهید و بگویید آیا این اثر با آثاری که پیش از این در ایران منتشر شده اند تفاوتی ماهوی دارد یا خیر؟

ج - سؤال خوبی است؛ اما برای پاسخ به آن ذکر چند نکته ضروری است. نکته اول: این که ما ایرانیان چنان که باید و شاید، بزرگان علمی و فلسفی خود را عموماً و ابن‌سینا را خصوصاً نشناختیم؛ و همین عدم شناخت موجب گردیده تا توانیم منابع ارزشمند خود را در بازار جهانی عرضه کنیم؛ درحالی‌که غربیان، از این زمینه به‌شدت با ما پیشی گرفته‌اند. مثلاً اگر کارهایی که انگلیسی‌ها درباره نیوتون، ایتالیایی‌ها در مورد نئوناردو داونچی و فرانسویان در مورد دکارت کرده‌اند را با کارهایی که ما در مورد ابن‌سینا کرده‌ایم مقایسه کنید، آن‌وقت متوجه می‌شوید که ما چقدر از آن‌ها فاصله داریم. این‌ها از تولید فیلم‌ها و سرال‌های تلویزیونی گرفته تا چاپ کتاب و برپایی سمینارها برای بزرگداشت بزرگان به نحو احسن بهره برده‌اند ولی ما یک فیلم سینمایی هم که درباره ابن‌سینا ساخته‌ایم، از واقعیت‌ها دور و به افسانه شبیه است.

اگر ما هیولود در سال‌های اخیر فیلسفی از ابن‌سینا را ساخته است، نه برای بزرگداشت این فیلسوف ایرانی، بلکه به خاطر ضربه زدن به او و ایران بوده است. بنابراین اگر ما خودمان تلاش کنیم، دشمن تاریخ علم، ما را هم خواهد نگاهت و آن هم با انبوهی از تحریفات! در این صورت ما هیچ‌گاه قادر به اصلاح و مقابله با این تحریفات نخواهیم بود. با این حال ابن‌سینا به جهت گستردگی ابعاد و غنای آثارش، همواره چه در شرق و چه در غرب مطرح و به قول امروزی‌ها مد روز بوده است و این هم باز به برکت دانشمندان منصف و برجسته غربی است که شب و روز خود را برای پژوهش درباره آثار این اعجوبه همه اعصار گذاشته‌اند تا از بیرون بتوانند به برخی از مسائل علمی و فلسفی روز پاسخ دهند.

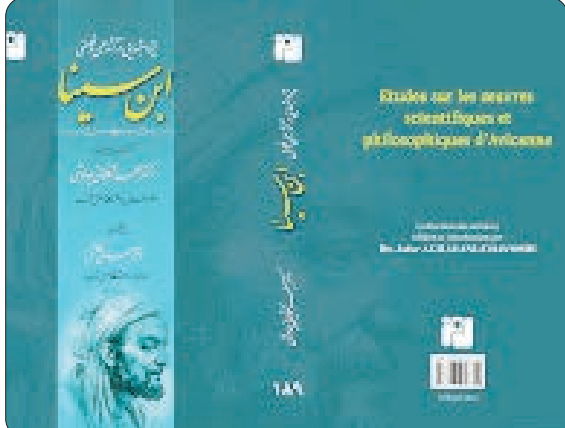
تقریباً در اغلب کشورهای مهم جهان از آمریکا، انگلستان و فرانسه گرفته تا الجزایر، هند و پاکستان و ... همایشی در مورد ابن‌سینا برگزار گردیده است. مقالاتی که در برخی از این سمینارها ارائه شده اصلاً قابل مقایسه با آن چه که ما در ایران نوشته‌ایم نیستند بنابراین در پاسخ به پرسش شما باید بگویم که انگیزه اصلی من از تدوین این کتاب، ترجمه و چاپ برخی از این گونه مقالات بوده است و شما هم با مروری در مقالات این کتاب با من هم‌عقیده خواهید بود.

س - چه عاملی موجب گردید که اصولاً شما به این کار مبادرت ورزید؟ آیا رشته تحصیلی جنابعالی سبب این گرایش شد یا عوامل دیگری در آن مؤثر بودند؟

ج - برای پاسخ به این سؤال باید حدود چهل سال به عقب برگردم، یعنی اوایل انقلاب و زمان جنگ تحمیلی که در فرانسه و در دوره کارشناسی ارشد در دانشگاه ژوسوی (پاریس ۷) به تحصیل اشتغال داشتم. یکی از درس‌های اجباری ما درباره فلسفه دکارت بود. استاد ما هم آقای دکتر دومینیک لوکور از کاترژت‌شناسان برجسته فرانسه بود که در روزی از ارائه می‌داد. چند سالی است که از وضع زندگی او بی‌خبر می‌ولی با خاطره خوبی که از این درس‌ها باقی مانده است؛ بگویم: که برمردست روانش بر نور و رو بؤنده خدا بارش باد

باری! درس های استاد بسیار جالب و کلاس هم مللو را دانشجویان فرانسوی و از دیگران ملت‌ها بود. من برای این که درس ها خوب در حافظه‌ام جایگزین شوند آن‌ها را ضبط می‌کردم، هنوز هم نوارهای کاست قدیمی از این درس‌ها دارم. در روز اول درس که استاد قسمتی معرفی دکارت را داشت سؤالی را برای دانشجویان بدین گونه مطرح کرد: « چرا دکارت با فلاسفه دیگر فرانسوی، چه قبل و چه بعد از او فرق دارد و در واقع تافته ای جدا یافته است؟» این مطلب را در پرتاز بگویم که فرانسویان همواره خود را عقل‌گرا معرفی می‌کنند و این عقل‌گرایی خود را هم به دکارت نسبت می‌دهند.

با طرح این سؤال سؤاتی بر کلاس حاکم شد، برخی از دانشجویان پوستکی بر زبان آوردند که مورد قبول استاد واقع نشد. بعد خود استاد، کلاس را با پاسخ عجیب خود که برای من هم شگفت‌انگیز بود از تعلیق بیرون آورد. همان گونه



نتیجه این پژوهش‌ها برای مردم ایران معلوم شود. بنابراین دوازده سال کار برای چاپ و انتشار کتابی بدون چشم داشت مالی، در نظر این استادان معاصر به دیوانگی شباهت دارد!

س - اکنون بهتر است مختصری نیز به محتوای کتاب بپردازیم، آیا این اثر می‌تواند جای مباحث خالی در ابن سینا شناسی را پر کند؟

ج - آن چه که من در این کتاب انجام داده ام در واقع چرچه ای است که باید آن را پژوهشگران دیگر به مشعل فروزانی تبدیل کنند. به قول شاعر: این هنوز از نتایج سحر است باش تا صبح دولتش بدمد

س - اگر ممکن است اندکی هم از تأثیر ابن سینا بر دکارت بگویند؟

ج - در این باره مقالات متعددی به زبان های مختلف نوشته شده که علاقه مندان می‌توانند با جستجو به آن‌ها دست یابند. به هر حال بحث فلسفی پیچیده‌ای نمی‌شود در یک مصاحبه خلاصه کرد.

س - در گزینش این مقالات چه روشی پیش گرفته اید؟

ج - من بارها گفته‌ام که روش من در گزینش مقالات آن است که مقاله مورد نظر، علاوه بر مستند بودن و رعایت اصول مقاله‌نویسی، باید حرف تازه ای را مطرح کند. و خوانندگان این کتاب با مطالعه مقالات با روش من در گزینش بیش تر آشنا خواهند شد.